

روایت صعود



لیلا مهدوی

قفسه کتاب

کسی که در سیاهی غرق است، نور چشمانش را می‌زند. در روشنایی نمی‌تواند ببیند و بتازاند. پس دنیا را مانند خود تیره و تار می‌کند و آفتاب را به بند می‌کشد. آن وقت پهنه بی‌انتهای هستی برایش قفس می‌شود و دمی آرام ندارد. نه

مسجد مخروطی شکلش و نه قصری که روی دست قصر خضرای معاویه بلند شود، او را آرام نمی‌کند. در مقابل اما جان‌های آزاده حتی اگر به زندان تنگ و تاریک شهر «سر من زئی» در بیابند باز هم پیران خواهند بود و بخشنده‌گی و سخاوت‌شان ساری و جاری است.

داستان در مکتب آئینی است که در بستر تاریخی رقم می‌خورد؛ زندگی منتصر عباسی در قالب رمان که منظر درون دینی دارد.

قصه در یک خط اصلی

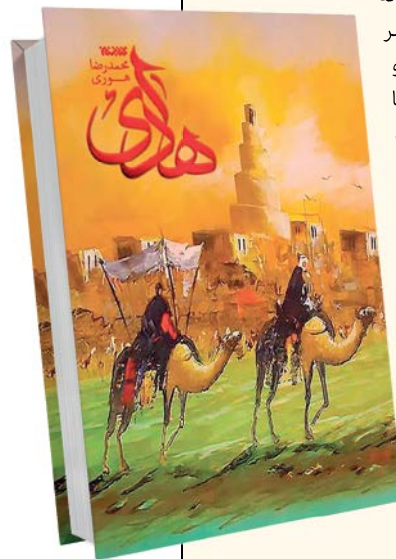
داستانی و در سه بخش نگارش شده‌است که هر یک از این سه بخش، پیامی در راستای هم و یکپارچه دارند. شیوه روایی نیز گریزی به تاریخ دارد و سعی شده‌است بر فضای زبانی قصه، گرد تاریخ نشانده‌شود. نویسنده سعی دارد شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمانه متوکل و منتصر عباسی را به تصویر بکشد. مکان داستان سامرا مرکز حکومت متوکل است و بیشتر حوادث در قصر او و مقرر حکومتی رقم می‌خورد.

منتصر، جوانی متعصب است که سودای حکومت و عرق و حمیت عباسی دارد و آشکارا با امام هادی و علویان دشمنی و کینه می‌ورزد. نقطه شروع قصه از آنجاست که او در بند عشق کنیزی از کنیزان متوکل به نام رباب گرفتار می‌آید. رفته‌رفته روح و جان‌ش غرق در عشق می‌شود و...

در مرحله اول، منتصر «کمین زدن برای دشمن» را پیش‌گرفته‌است. غبار نشسته بر چشمانش نمی‌گذارد نور را ببیند اما در بر یک پاشنه نمی‌چرخد و عشق رباب منتصر را به مرحله «ایقاز» می‌برد. اینجا «ابن سکیت» معلم منتصر راهنمای او می‌شود تا او دنیا را با دریافت تازه‌ای نگاه کند. اینک منتصر با رنج آشناست و درد را می‌فهمد و این خود اوست که در غیاب رباب و ابن سکیت باید راه خود را پیدا کند و آزموده شود.

داستان در روند رو به جلوی خود خرده‌روایت‌هایی را از ماجرای فدک و نیز سیره امیرالمومنین و قیام فخر و کربلای دوم، مطرح می‌کند.

داستان برگرفته از احادیث متواتر و روایات معتبر، از کتب شیعی و همین‌طور آثار فاخر اهل سنت است که روایت‌ها را چون دانه‌های تسبیح در کنار هم می‌چیند و از آنها درام می‌سازد تا داستان منسجم و هدف‌داری پدید آید. به همین سبب مرز میان تخیل و واقعیت دیواره نازکی است که سهم بیشتر، از آن واقعیت است. □



نویسنده:

محمدرضا هوری

ناشر:

کتابستان

۲۸۸ صفحه

۷۵۰۰۰ تومان

نویسنده:

سیدمحسن امامیان

ناشر:

شهید کاظمی

۲۱۲ صفحه

۴۲۰۰۰ تومان

نگاهی به کتاب «سنگی که سهم من شد»

تخریب قوم یهود در آینه اسلام

رضا شعبانی

قفسه کتاب

جلال آل احمد می‌گوید: «هر

داستانی که نوشته می‌شود سنگ

بنای ادبیات جدید است.» احتمالا

منظور جلال، داستانی است که

همه مؤلفه‌های لازم برای یک

داستان خوب را داشته باشد. «سنگی که سهم من شد» از

این نوع داستان‌هاست.

سیدمحسن امامیان در این داستان زندگی دختری به نام

«دیه» را به تصویر می‌کشد که در خانواده‌ای مسلمان به دنیا

آمد اما تقدیر این بود که قبل از این که به ۲ سالگی برسد،

باید ادامه زندگی‌اش را در یک خانواده یهودی و مخالف

اسلام سپری کند.

نویسنده در همان صفحه اول، داستان را با یک کشمکش

ساده آغاز می‌کند. این کشمکش ساده در ادامه گسترده و

پیرنگ داستان را شکل می‌دهد. دعوی خیلی پیش پا افتاده

بین نوفل مسلمان و زریق یهودی. پس از یک سری اتفاقات

زریق کشته می‌شود و این اولین نقطه عطف داستان است.

پسران طماع زریق درخواست خونبها می‌کنند؛ آن‌هم دیه‌ای

هم وزن با خون یکی از بزرگان قوم. دوباره نزاع‌هایی بین دو

قبیله در می‌گیرد. دست آخر قرار بر این می‌شود که در ازای

خون زریق، ۴۰ نفر شتر، ۴۰ نفر نخل و یک نشانی به قوم زریق

اهدا و دیگر خونی بین دو طرف ریخته نشود. اما نشانی چه

بود؟ بنی‌زریق درخواست کردند که یک دختر از قوم نوفل

باید به کنیزی یکی از فرزندان زریق در آید و پسری به دنیا

بیآورد؛ نامش را زریق بگذارند تا نشانی باشد برای صلح

بین دو قوم. سران قوم نوفل که حاضر به این کار نبودند،

ناگزیر انگشت اشاره را به سمت حارث، یکی از رعایای قوم

گرفتند که در صحنه قتل - همراه با نوفل - حضور داشت.

آن هم به این دلیل که حارث فقیرترین فرد قوم بود. حارث

توان مخالفت نداشت و حالا باید دختر شیرخواره‌اش



وجه المصالحه این منازعه می‌شد. دیه از این لحظه به بعد،

زندگی پر فراز و نشیبی را تا آخر داستان پشت سر می‌گذارد؛

به طوری که خواننده در حال خواندن کتاب، هم احساس

ترحم و دلسوزی نسبت به او دارد و هم انزجار و بیزاری.

کتاب، داستان تردید آدم‌هاست. داستان دختری که دنبال

حقیقت است. داستانی شخصیت‌محور که در کنار روایت

اصلی، چند خرده‌روایت هم دور آن می‌چرخد.

سنگی که سهم من شد آینه‌ای از تلاش قوم یهود جهت

تخریب و از بین بردن اسلام است. تلاش آنها برای کشتن

پیامبر از زمان نوزادی گرفته تا چند دستگی مسلمانان بعد

از فوت پیامبر. مخاطب به نوعی در جای جای کتاب نفوذ و

شگردهای نفوذ یهودیان را در تمام قلمرو حکومت اسلامی

مشاهده می‌کند. به عبارتی این رمان، یک دوره نفوذشناسی

است برای کسانی که در پی کشف حقیقت هستند.

امامیان خواننده را به دل تاریخ می‌برد. یک سیر تاریخی

که قبل از تولد پیامبر شروع و با ورود کاروان اسرای دشت

کربلا به شهر شام پایان می‌یابد. او اسیر اختلاف روایت‌های

تاریخی نمی‌شود و کاملاً مشخص است که از عقبه تحقیقی

درستی هم بهره برده است.

کتاب آن قدر نقطه اوج، گره داستانی و روایت فرعی شنیدنی

دارد که نویسنده می‌تواند خیالش بابت همراهی مخاطب تا

پایان کتاب راحت باشد. داستان هیچ‌گاه از ریتم نمی‌افتد،

چون شخصیت اصلی دست به کارهایی می‌زند که هر کدام

از آنها را می‌توان به نوعی بزنگاه تاریخی و مؤثر در سیاست

و تاریخ آن دوران دانست. دیه هم نقش قهرمان داستان

را ایفا می‌کند و هم صدقهرمان را. قهرمان از این حیث که

بار داستان بر دوش او حمل می‌شود و صدقهرمان از این

منظر که با یک سیاهی تمام‌عیار، برای نابودی اسلام قدم

برمی‌دارد؛ در واقع دیه، نخ تسبیح بزنگاه‌های تاریخی موجود

در داستان است. سنگی در اول داستان باعث سیاه‌بختی او

می‌شود و سنگی دیگر در انتهای کتاب سرنوشت دیگری

را برای او رقم می‌زند و در میان این دو سنگ، داستان

با همه فراز و فرودها و حادثه‌ها روایت شده و

در پایان رمان، همه مسائل مشخص می‌شود.

داستان رمزگشایی و خواننده در برزخ ابهام قرار

نمی‌گیرد اما از آنجا که نویسنده تجربه زیسته‌ای از

مکان داستان ندارد و بر مختصات مکانی و آداب و

رسوم هم چندان تسلط ندارد، نتوانسته توصیف و

تصویر درخشانی از جغرافیای شهرها و محل وقوع

داستان ارائه دهد. از طرفی امامیان می‌توانست با

فصل‌بندی کتاب و همچنین اعراب‌گذاری برخی واژه‌ها

و نام‌ها، بیش از پیش خواندن کتاب را برای مخاطب

راحت‌تر کند.

نویسنده تا حدود زیادی توانسته لحن راوی (دانای کل)

و دیالوگ‌ها را با موضوع و زمان وقایع هماهنگ و زبان

نسبتاً فاخری را برای این کار انتخاب کند. اما در مقابل،

لحن تمام شخصیت‌های موجود در داستان به جز

شخصیت اصلی، شبیه به هم است و نمی‌توان از لحن

به ویژگی شخصیتی آنها پی برد. با همه این تفاسیر،

نویسنده یک اثر شسته و رفته، روان و منسجم و پر از

قصه را به مخاطب تحویل می‌دهد. □